

بازاندیشی فقه سیاسی در حوزه سیاست خارجی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

یعقوب علیزاده^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

چکیده:

هر بازیگر در عرصه روابط بین‌الملل، دارای چارچوب و الگوی خاص و منطبق درونی تعریف شده خاص خویش، برای فعالیت در میدان سیاست خارجی است. در این مقاله تلاش شده به بررسی این سوال مهم پرداخته شود که مولفه‌های فقه سیاسی در حوزه سیاست خارجی کدام است و آثار این مولفه‌ها در سیاست خارجی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چگونه قابل تحلیل است؟ مقاله پیش رو توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سوال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که فقه سیاسی تعریف‌کننده الگویی است در قالب اسلام سیاسی، که در روابط بین‌الملل به‌عنوان یک نظریه‌ی اسلامی مطرح شده است. اساساً فقه سیاسی پاسخ‌های دین به معضلات سیاسی جامعه نیز تعریف شده است. بنابراین در جامعه سیاسی شکل گرفته بعد از انقلاب، در چارچوب حکومت اسلامی، سیاست خارجی متأثر مولفه‌های فقه سیاسی در این زمینه است. قاعده نفی سبیل، عدالت محوری، حمایت از مسضعفین، استقلال و خودکفایی و عدم اعتماد به دشمنان از مهمترین مولفه‌های فقه سیاسی در سیاست خارجی است. آثار مولفه‌های مورد اشاره به صورت، استکبارستیزی و مقابله با نظام تک‌قطبی، مرزبندی با دشمن، دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش و محور مقاومت، صدور انقلاب اسلامی و حمایت از بیداری اسلامی، صلح‌دوستی بین‌المللی، ضدیت با استکبار و حفظ استقلال، عدم هراس از تهدیدات دشمنان و توجه به مصلحت در بیانیه گام دوم نمود داشته است.

واژگان اصلی: فقه سیاسی، سیاست خارجی، بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی.

۱. استادیار گروه الهیات فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، چرخش اساسی در مبانی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل کشور ایجاد شد. و ما شاهد حاکم شدن اصول و قواعد فقه سیاسی، بر مجموعه روابط بین‌المللی ایران هستیم. «اگر بتوان فقه سیاسی را علم به احکام شرعی فرعی مربوط به نظم عمومی در داخل و قواعد تنظیم روابط خارجی، از روی دلیل‌های تفسیری آن، تعریف کرد، فقه روابط بین‌المللی نیز نظر اسلام را در مورد مسائل جهان خارج مطرح می‌کند» (نقیب زاده، ۱۳۸۸: ۳۳).

بنابراین جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین‌الملل، با تکیه بر فقه سیاسی به‌عنوان بیان‌کننده اصلی قوانین اسلامی، سیاست خارجی مبتنی بر اسلام خود را تعریف و اعمال کرده است. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ابعاد متعددی داشت. اما در حوزه‌ی سیاست خارجی این انقلاب ترجمان و تبلور احساسات ملی و تلاش پیوسته‌ای محسوب می‌شد که از قرن نوزدهم برای رهایی از سلطه‌ی خارجی در جریان بود. گذشت بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی ایران با همه فرازوفرودها و همه مخاطرات و تضییقات داخلی و بین‌المللی، تجربه‌گران‌بهایی را برای نسل‌های بعدی فراهم آورده است که بررسی دقیق ابعاد، علل، نتایج و پیامدهای آن‌ها می‌تواند مسیر را برای تداوم و تسهیل دست‌یابی به آرمان‌های انقلاب اسلامی هموار سازد. از طرف دیگر، دست‌یابی به اهداف انقلاب در افق چهل‌ساله دوم، نیازمند طراحی یک برنامه جامع و فراگیر مبتنی بر واقعیت‌های موجود و نیز ظرفیت‌های در دسترس داخل و خارج برای نیل به آن است که رهبر انقلاب اسلامی در اقدامی حزم‌اندیشانه اقدام به ترسیم رئوس کلی آن در قالب «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» نموده‌اند؛ حال از اندیشمندان و خبرگان سیاسی انتظار می‌رود تا به مذاقه و تبیین دقیق ابعاد این بیانیه و تدوین نقشه راه عملیاتی برای نیل به آرمان‌های مصرح در آن اقدام نمایند. به عبارتی ورود انقلاب اسلامی ایران به مرحله دوم از عمر خود پس از گذار از مرحله دشوار «نظام‌سازی و تثبیت»، را می‌توان آغاز فرایند «خودسازی»، «جامعه‌پردازی» و «تمدن‌سازی» آن دانست و بنابراین ضرورت می‌یابد تا با بهره‌مندی از تجربیات چهار دهه نخست انقلاب، دقایق و ظرایف پیمودن شایسته گام دوم انقلاب اسلامی در ابعاد و حوزه‌های مختلف از جمله سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. در خصوص بیانیه گام دوم و سیاست خارجی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: حسین قریب و محمدحسین ضمیریان، در مقاله‌ای، الزامات دینی و تأملات عقلانی در سیاست‌گذاری خارجی در اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده است (قریب و ضمیریان، ۱۳۸۹: ۱۵۷). محسن اسماعیلی سید محمد مهدی غمامی نیز در مقاله‌ای، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از منظر فقهی حقوقی مورد بررسی قرار داده‌اند (اسماعیلی و

غمامی، ۱۳۸۹: ۵). هم‌چنین رضا لک زایی، در مقاله‌ای به بررسی گفتمان مقاومت در عرصه بین‌الملل در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر بیانیه گام دوم پرداخته است (لک زایی، ۱۳۹۹: ۱۲۷). در مقاله حاضر اما تلاش شده به بررسی این سؤال پرداخته شود که فقه سیاسی چه تأثیری بر سیاست خارجی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی داشته است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، مفهوم فقه سیاسی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بررسی شده، سپس تأثیر فقه سیاسی بر سیاست خارجی بررسی و در ادامه از تأثیر فقه سیاسی بر سیاست خارجی در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بحث شده است.

۱) مفهوم شناسی

۱-۱) فقه سیاسی

فقه را فهم و استنباط مقررات عملی اسلام از منابع و مدارک تفصیلی مربوط به آن، یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل تعریف کرده‌اند، بنابراین علم فقه بررسی می‌کند که اعمال مسلمانان باید چگونه باشد تا موافق دین اسلام باشد یا دست‌کم مخالفی با آن نداشته باشد. فقه سیاسی معتقد است که عملکرد سیاسی و مدنی مسلمانان باید بر اساس منابع اسلامی مذکور تنظیم و تدوین شود (قره‌گزی، ۱۳۸۹: ۳۰). «در کاربرد خاص مراد از فقه سیاسی، بخشی از مسائل و مباحث فقهی است که به‌طور خاص به موضوعات سیاسی و حکومتی می‌پردازد. در اینجا فقه سیاسی در کنار رشته‌های دیگر فقهی مطالعه می‌شود. ضرورت تفکیک رشته فقه سیاسی از سایر مباحث فقهی به این صورت توجیه می‌شود که فقه بسیار گسترده شده است و تخصص در تمامی ابواب و مسائل آن از توان یک شخص خارج است؛ بنابراین لازم است که فقه تخصصی شود» (لک زایی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). بنابراین فقه سیاسی به‌عنوان یک رشته تخصصی از فقه تأسیس شده که مسائل سیاسی و عملکردهای حکومتی در دولت اسلامی بر پایه‌ی آن مشخص و سنجیده می‌شود.

«فقه سیاسی در هر قالب سنتی و مدرن تعریف می‌شود. در قالب سنتی عبارت است از: مجموعه مباحث سیاسی که فقها در دوران غیبت، در کتاب‌های فقهی شان در زمینه‌ی مسائل سیاسی بیان کردند و امروز ما شاهد این میراث عظیم هستیم که از فقها و از زمان شیخ مفید تا به‌کنون به میراث رسیده است. اما فقه سیاسی در قالب جدید و مدرن عبارت است از: مجموعه‌ای از پاسخ‌های فقهی که در مورد مسائل جدید سیاست مطرح می‌شود و بخشی از این مسائل مربوط به حقوق و تکالیف ملت و بخشی هم مربوط به مسائل اساسی تر مانند حقوق بشر، حاکمیت، مشروعیت حاکمیت، و شیوه‌های اعمال حاکمیت

و راهکارهای مربوط به آن است. در مجموع این دو (ستی و مدرن) در قالب فقه‌حکومتی تعریف می‌شوند و در واقع فقه‌حکومتی به آن قسم از مباحث سیاسی گفته می‌شود که به‌طور مستقیم در ارتباط با مسائل حکومتی باشد» (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

«تحولات فقه سیاسی را می‌توان از دو بعد تکوین و تدوین مورد مطالعه قرار داد. دوره تکوین و تاسیس فقه سیاسی به عصر نزول قرآن و دوره‌ی زمام‌داری پیامبر اسلام (ص) و سنت آن حضرت در مقام ریاست دولت اسلامی بازمی‌گردد که خطوط کلی فقه سیاسی در زمینه مسائل حکومت، جهاد، تولد و تبرأ، صلح، معاهده، دیپلماسی و سیاست خارجی و نظایر آن توسط وحی (قرآن) و سنت پیامبر تعیین شد و سپس در خلال احادیث اهل بیت (ع) تشریح و تفریع گردید» (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۴۵). بنابراین می‌توان تعریفی از فقه سیاسی با توجه به سیره‌ی نبوی ارائه داد که فقه سیاسی عمل به سیره و رفتار سیاسی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) و استفاده از آن برای دوره‌ی کنونی، است.

از دیدگاه حضرت امام، عملاً فقه سیاسی به‌عنوان تکلیفی تعریف می‌شود که به‌مانند پیروی از پیامبر اکرم، بر ما نیز واجب است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۴۱۲). بنابراین فقه سیاسی به‌عنوان مشخص‌کننده‌ی حیطة عمل مکلف در اینجا تعریف می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۶۹). به‌طور کلی موضوع فقه سیاسی عمل سیاسی انسان از حیث تعلق خطاب شرعی بر آن به اعتبار ذات، وصف‌ها یا متعلق آن؛ از دو جهت تعریف و تمیز خود آن‌ها و از جهت انطباق یا عدم انطباق آن‌ها بر مصادیق خارجی است. هدف فقه سیاسی نیز سامان‌دهی به زندگی سیاسی انسان به سامان شرعی به‌اندازه وسیع بشری برای راه‌یابی افراد انسانی به راه راست و رسیدن جامعه‌ی سیاسی به رضایت الهی است.

۲-۱) بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه‌ای است که از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران، سیدعلی خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردیده است و در آن برای استمرار راه انقلاب اسلامی به تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته می‌پردازد. او در این بیانیه باهدف «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» توصیه‌هایی ارائه می‌دهد. در این بیانیه سیدعلی خامنه‌ای، ملت ایران، به‌ویژه جوانان را مورد خطاب قرار می‌دهد و به توضیح و روشن کردن مسئله برداشتن «گام دوم» به‌سوی آرمان‌های انقلاب اسلامی در ۷ فصل می‌پردازد.

هفت فصل این بیانیه به‌شرح ذیل است: «۱) ثبات، امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران. ۲) موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی. ۳) به اوج

رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت رسانی. ۴) ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی بیشتر مردم. ۵) سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور. ۶) افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه. ۷) ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان».

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند. انقلاب اسلامی تجدیدنظر‌پذیر و اهل انفعال نیست. انقلاب اسلامی به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله بایمان دینی مردم آمیخته است فاصله نمی‌گیرد». ایشان در مقدمه گام دوم می‌فرمایند: «انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است». این سند یک دکترین و راهکاری است که به‌منظور اجرا در دهه پنجم انقلاب مدنظر قرار گرفته است. هسته مرکزی بیانیه گام دوم، «سپردن کار به جوان‌ها» باهدف «یک پیشرفت همه‌جانبه» می‌باشد.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز با تکیه بر تجارب به‌دست‌آمده طی چهار دهه نخست از عمر انقلاب اسلامی، درصدد ریل‌گذاری و ترسیم افق مطلوب نظام اسلامی برای دستیابی به اهداف، آرمان‌ها و مطلوبیت‌های انقلاب در مرحله پیشروی خود، که همانا جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است، تدوین شده است. هرچند این سند محورهای مختلفی دارد، ولی در این نوشتار صرفاً بر بعد دستاوردهای انقلاب اسلامی در عرصه نظام بین‌المللی تمرکز شده است.

۲) مولفه‌های سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی

در این قسمت به بررسی مولفه‌های سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی پرداخته می‌شود.

۲-۱) قاعده نفی سبیل

«قاعده فقهی نفی سبیل کفار بر مسلمانان که به مفهوم بسته شدن هرگونه تسلط بیگانگان بر مسلمانان است از مبانی اعتقادی اصل نه شرقی نه غربی محسوب می‌شود. به‌موجب این قاعده هرگونه رابطه یا اقدامی که موجب تسلط و تفوق کفار بر مسلمین حرام است. اگر یک قرارداد سیاسی و اقتصادی و یا یک مقوله نظامی، فرهنگی یا برقراری رابطه دیپلماتیک، مقدمات سیطره و نفوذ کفار بر

مسلمین را فراهم آورد بر اساس قاعده مذکور نامشروع قلمداد شده و باطل است. از این نظر برخی قواعد دیگر فقهی نظیر وفای به عهد منسوخ می‌گردد به همین دلیل نفی سبیل از قواعد ثانویه فقهی محسوب می‌شود» (شکوری، ۱۳۷۷: ۳۸۷). قاعده نفی سبیل دارای مدارک و سند محکم قرآنی و روایی است که یکی از اصول اساسی در مبانی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی و هم‌چنین عقد قراردادهای بین‌المللی می‌باشد. در قرآن نیز تأکید شده است که به یک مورد اشاره خواهد شد: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا (نسا، آیه ۴).

هرگز خداوند، نه در گذشته و نه در آینده برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نگذاشته است و باز نخواهد کرد.

نفی ولایت و سلطه کفار بر مسلمانان را اثبات کرده و واجد آثار متنوعی در سیاست خارجی است که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: ۱) عدم جواز قیم شدن و سرپرستی کفار نسبت به مسلمانان؛ ۲) عدم جواز متولی شدن بر موقوفات (مثل مدارس علمیه)؛ ۳) عدم ثبوت حق شفعه هنگامی که مشتری مسلمان و بایع کافر باشد؛ ۴) مالک نشدن کفار نسبت به موالی مسلمان؛ ۵) عدم ازدواج زن مسلمان با مرد کافر؛ ۶) عدم وجود حق قصاص برای کافر نسبت به مسلمان؛ ۷) عدم جواز تصدی بیگانگان نسبت به مسئولیت‌های موجود در کشورهای اسلامی؛ ۸) حرمت استخدام مستشاران خارجی در مسائل امنیتی (ایزدی، ۱۳۷۷: ۷۲).

در ابواب فقه نیز بر اساس این آیه فقها با استناد به آن، به‌عنوان مثال در مبحثی مانند ارث، فرموده‌اند که کافر از مسلمان ارث نمی‌برد (ارجینی، ۱۳۸۶: ۱۴۹). بنابراین هرگونه سلطه‌پذیری در هر شرایطی مورد توجه فقهای مسلمان قرار داشته و هیچ‌گونه راهی برای تسلط و سلطه‌پذیری وجود ندارد بنابراین در روابط بین‌الملل نیز ما نیز نباید هرگونه سلطه‌طلبی را برتاییم. امام خمینی (ره) بدین‌سان خطاب به مسلمانان تمام کشورهای جهان می‌گویند: مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آن‌جا که شما در سلطه‌ی بیگانگان گرفتار مرگ‌تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید؛ از وجود جوانان پرشور و شهادت‌طلبی که حاضرند خطوط جبهه‌ی کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه‌داشتن موضع موجود نباشید؛ بلکه به فکر فرار از اسارت و بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید که عزت و حیات در سایه‌ی مبارزه است و اولین گام در مبارزه اراده است (فیرحی، ۱۳۸۷: ۲۶۳). همان‌گونه که امام خمینی (ره) بیان می‌کند می‌توان این برداشت را اتخاذ کرد که اولین قدم برای برقراری روابط در عرصه‌ی بین‌المللی مساعد بودن و برابری در شرایط هر دو طرف است. بنابراین نفی سلطه‌طلبی اولین گام در

روابط بین‌المللی محسوب می‌شود.

در کل اصل وجودی قاعده فقهی نفی سبیل و اهداف از پیش تعیین شده آن دلالت بر این دارد که جامعه اسلامی باید سیادت و استقلال خود را داشته باشد. لذا با وجود حاکمیت دائمی این قاعده بر روابط بین‌المللی می‌تواند نقش اساسی و بی‌بدیلی را برای جهان اسلام ایفا نماید.

۲-۲) عدم اعتماد و رابطه و دوستی با دشمن

حکومت اسلامی نباید به دشمن و ستمگران اعتماد داشته باشند چراکه همین اعتماد زمینه‌ساز سلطه آنان علیه مسلمانان را به وجود می‌آورد و این خود با قاعده نفی سبیل ندارد. قرآن کریم به صراحت به همین امر اشاره دارد در آیه ۱۱۳ سوره هود می‌فرماید: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَمَسَّكُمُ النَّارُ... تَكِيه و اعتماد بر ستمگران در شکل وابستگی آشکار می‌گردد و وابستگی فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی نتیجه‌ای جز اسارت و استثمار و نابودی استقلال ندارد (زحیلی، ۱۴۱۱: ۱۶۷) و (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵۹). علامه طباطبایی درباره کلمه «ظلموا» می‌فرماید: «آیه شریفه نفی می‌کند از رکون به هر کسی که به علامت ظلم شناخته شده باشد، چه اینکه مشرک باشد یا موحد چه اهل کتاب باشد و چه مسلمان» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۱). قرآن کریم مسلمانان را از دوستی با اهل کتاب و کفار که زمینه‌ساز سلطه و حاکمیت آنان و نفی استقلال مسلمانان است را بر حذر داشته است می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ لَا يَأْلُو نَكُمْ حَبَالًا (آل عمران، آیه ۱۱۸). واژه «بطانه به معنای لباس زیر» (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۹۲) و «آستر هر چیزی، معنا شده است. بطانه به صورت استعاره برای کسی است- که از باطن کار تو باطلاع است، منظور آیه این است که آن‌ها را محرم خود نگیرید که به باطن امورتان پی ببرند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱۳۰). «در واقع بطانه در آیه کنایه از این است که کافران و بیگانگان نباید محرم اسرار مسلمانان قرار گیرند زیرا دوستی و اعتماد و وابستگی به بیگانگان موجب نابودی خرد مسلمانان می‌شود» (طبری، ۱۴۱۲: ۳۹). نفی دوستی و رابطه با بیگانگان نوعی از نفی سبیل و سلطه غیرمسلمانان بر مسلمانان است، چراکه برخی از دوستی‌ها باعث می‌شود که دیگران بر اسرار مسلمانان دست پیدا کرده و از همان اسرار علیه مسلمانان استفاده کنند، لذا قرآن به صورت صریح هرگونه دوستی با بیگانگان را نفی و مذمت کرده است.

۲-۳) استقلال و خودکفایی

«جامعه یا ملتی اگر وابسته باشد و استقلال خود را حفظ نکند یا نکرده باشد چنین جامعه‌ای نه تنها پیشرفت نمی‌کند بلکه همیشه اهرم فشاری بر روی آن جامعه هست که اگر خواسته‌های دیگران را بجا

نیاورد مورد تحریم قرار گرفته و از روزنه‌هایی که وابستگی شدید دارد ضربه خواهد خورد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱۵). «خداوند متعال در قرآن کریم تأکید می‌کند که جامعه اسلامی باید بر روی پای خود بایستد و متکی به داشته‌های داخلی خود باشد و از وابستگی خارج شود. لذا به گزارش قرآن اصحاب خاص پیامبر (ص) در انجیل به زراعتی تشبیه شده‌اند که جوانه‌های آن به تدریج نیرومند شده و بر پای خود ایستاده است به گونه‌ای که کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۹۲). در آیه ۲۹ سوره فتح آمده است: «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ؛ همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد». «این تمثیل، به‌ویژه با توجه به تعبیر «فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ» اشاره‌ای گویا به استقلال جامعه اسلامی دارد». «در این آیه کریمه، خداوند مثلی را برای اهل ایمان یعنی برای مسلمانان که از دستورات پیغمبر اکرم (ص) پیروی می‌کنند ذکر می‌کند. مثل زراعتی هستند، یعنی دانه‌ای که در زمین کشت می‌شود. اول که این دانه سر می‌زند، به صورت برگ نازک است. اگر مثلاً دانه گندمی را در زمین بکارند، اول‌بار که از زمین می‌روید به صورت برگ خیلی نازک و لطیف است. آزره اما این برگ به همان حالت نازکی ثابت نمی‌ماند، تدریجاً بیشتر از زمین بیرون می‌آید و دارای ساقه‌ای می‌شود که نسبت به آن برگ صفت دیگری دارد؛ یعنی آن را تقویت می‌کند آن برگ نازک را محکم می‌کند یعنی ساقه درمی‌آورد. فاستغلظ بعد کم‌کم این ساقه غلظت و ضخامت پیدا می‌کند. فاستوی علی سوجه روی ساقه خودش می‌ایستد يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ در این وقت است که کشاورزان را به تعجب وامی‌دارد. همین حالت است حالت استقلال و رشد و تعالی که چشم دشمن را کور می‌کند و دشمن به خشم درمی‌آید» (مطهری، ۱۳۹۰: ۵۲).

۲-۴) عدالت محوری

قرآن کریم سلطه‌جویی و خودبزرگ‌بینی و به یوغ کشیدن دیگران را گناهی در حد شرک معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۴: ۱۷۸)؛ (قرآنی، ۱۳۸۸: ۱۴۹) و (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۳۳). «از دیدگاه قرآن استکبار خصلتی است که در هر فرد و جامعه‌ای بروز می‌کند و آن را علی‌رغم شایستگی‌های والایش به ضد خدا و دشمن خلق و ارزش منفی تبدیل می‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱۷). «بزرگ‌ترین خطر استکبار در حیات سیاسی ملت‌ها ظاهر می‌شود و با زیر پا گذاشتن حق و زورجویی و تمام امکانات و نیروها و ارزش بشری را در خدمت هوای نفسانی فرد یا گروهی خاص قرار می‌دهد (عمید زنجانی،

۱۳۶۸: ۱۲۹). یکی از مهم‌ترین اهداف در سطح ساختارهای درونی جوامع و نیز در سطح نظام بین‌الملل، تحقق قسط و عدالت ذکر شده است. انقلاب اسلامی ایران نظام بین‌الملل را به دلیل خودخواهی و دوری از معنویت، برداشت‌های مادی‌گرایانه از عدالت و رفتار ظالمانه قدرت‌های بزرگ در سلطه‌گری به چالش کشید و کارکرد آن را ناکارآمد دانسته است. حاکمیت عدالت محوری بر هویت جمهوری اسلامی ایران که در بیانیه گام دوم از آن به عنوان شعارهای فطری انقلاب به‌کاربرده شده است نه‌تنها در سطح نظریه باقی نمانده که به‌صورت عینی و کاربردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود.

از اصول اسلام و از زمینه‌هایی که منجر به برپایی عدالت در جامعه می‌شود برابری فقیر و غنی در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (هاشمی، ۱۳۸۶: ۴۵۲). این وضعیت در دوران پهلوی منجر به شکاف گسترده میان این دو طبقه شد و عده‌ای فرصت یافته بودند تا بر توده مردم حکومت کنند. حال که این طبقه غنی یک رژیم وابسته به غرب بود که منجر به نابرابری در روابط بین‌المللی و به هدر رفتن منافع ملی به نفع طبقه‌ی خاصی شده بود. امام خمینی ریشه اصلی استضعاف و بی‌عدالتی را امپریالیسم و دست‌نشانده‌گان آن می‌دانستند که بر مسلمانان این نظم ناعادلانه تحمیل شده است (اشرف نظری و سازمند، ۱۳۸۷: ۱۷۳). بنابراین در روابط بین‌المللی نیز دولت اسلامی با گسترش ارتباطات، نمی‌تواند خود را محصور به محدوده جغرافیایی خاصی کند. بنابراین باید براساس آموزه‌های دین و نیازها و ضرورت‌های عصر کنونی، باید با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها ارتباط داشته باشد تا در پرتو روابط بین‌المللی بتواند پیام الهی (گسترش عدالت)، (رفع ستم و پیروزی مستضعفین و برابری همه انسان‌ها) را به گوش جهانیان برساند. پس در اینجا اصل دعوت به‌عنوان یک اصل اصولی و فقهی در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. و مقتضای این امر عدالت و برابری-جویی است که مستلزم آن است دولت اسلامی با گروه‌های غیرمسلمان که به دولت اسلامی و مسلمانان تعرضی نمی‌کنند و به پیمان خویش پایبندند، روابط مسالمت‌آمیز داشته باشد (ارجینی، ۱۳۸۶: ۱۴۹).

۳) بازتاب تأثیر فقه سیاسی بر سیاست خارجی در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» با مرور تجربه‌ی ۴۰ ساله‌ی انقلاب اسلامی اعلام کردند: «انقلاب وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است». گام دومی که باید در چارچوب «نظریه‌ی نظام انقلابی» و با «تلاش و مجاهدت جوانان ایران اسلامی» به‌سوی تحقق آرمان «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح

نافداه) برداشته شود». بیانیه‌ی گام دوم شامل مطالب بسیار مهمی به‌خصوص در زمینه‌ی سیاست-خارجی و روابط جمهوری اسلامی ایران است که (اسداللهی، ۱۳۹۷: ۱۵)، در این قسمت موردبررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱) استکبارستیزی و مقابله با نظام تک‌قطبی

یکی دیگر از مهم‌ترین مفاهیم انقلاب اسلامی که بازتاب عملی گسترده‌ای نیز در سطح نظام بین‌الملل پیدا کرد، طرح دوگانه استکبار / استضعاف است. گفتمان انقلاب اسلامی منطق حاکم بر نظام بین‌المللی را در چارچوب روابط سلطه‌آمیز قابل‌فهم می‌داند و معتقد است جهان سرمایه‌داری در دوره فعلی به دنبال به استضعاف درآوردن جهان دیگر و استحکام پایه‌های قدرت خود در ساختارهای سیاسی و اقتصادی جهان معاصر است. لذا، یکی از تحدیيات انقلاب اسلامی، تقابل عملی با جهان استکبار است. رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم در بیان این مسئله چنین تأکید می‌کند: «پس از انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار پدید آمده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد».

«یکی از رفتارهای سیاست خارجی که از اصل استکبارستیزی و سلطه‌ستیزی نشات می‌گیرد مقابله نمایان و نمادین با نظام تک‌قطبی است. اولین گام در راه مقابله با نظام تک‌قطبی نیز آشکار ساختن ماهیت ناعادلانه آن در اذهان عمومی است» (اسداللهی، ۱۳۹۷: ۱۵). همین‌طور در بیانیه‌ی گام دوم اشاره شده است که زمانی تلاش ایالات متحده آمریکا این بود که جمهوری اسلامی را در مرزهای خود محدود و محصور کند اما هم‌اکنون چالش بر سر این است که جلوی پیشرفت جمهوری اسلامی را در مرزهای مختلف بگیرد آمریکا با قدرت نظامی و هژمونی فرهنگی خود همیشه کشورها را احاطه و تسلط پیدا می‌کرد اما جمهوری اسلامی توانست الگوی مبارزه با آن را با توجه به مکان مختلف متفاوت انجام دهد. امروزه آمریکا برای مقابله سیاسی و امنیتی با ایران محتاج ائتلاف‌های بزرگ است تا بتواند علیه ایران کاری از پیش ببرد.

«در دوران پس از جنگ جهانی دوم یک نظام دوقطبی بر دنیا حاکم شده بود. ولی مقام رهبری در بیانیه‌ی گام دوم معتقدند که با پیروزی انقلاب اسلامی در حقیقت نظام دوقطبی به‌نظام سه‌قطبی تبدیل شده بود. این مورد نشان‌دهنده‌ی این است که شعاری که جمهوری اسلامی و مردم ایران در طی انقلاب می‌دادند که نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی در حقیقت اشاره به همین نظام سه‌قطبی دارد که

جمهوری اسلامی نه وابسته به بلوک شرق و نه غرب بوده است و الگویی متفاوت از آن دو قطب را ارائه داده و تبدیل به قدرتی بزرگ شده که اکنون تعیین کننده بسیاری از تحولات است» (شجاعی، ۱۳۹۹: ۲۳). جالب اینکه بعد از فروپاشی شوروی دوباره این نظام سه قطبی تبدیل به نظام دو قطبی می شود اما این دو قطبی با دو قطبی دوران جنگ سرد متفاوت است. در دوران جنگ سرد کمونیسم در مقابل سرمایه داری قرار داشت اما در نظام دو قطبی بعد از فروپاشی شوروی، اسلام در مقابل استکبار قرار گرفته است. این تعبیر بسیار زیبا نشان می دهد چرا جهان غرب و نظام سرمایه داری تا این اندازه کمر به مبارزه و مواجهه با جمهوری اسلامی بسته است. چراکه این نظام الگوی قدرتمندی را از یک قطب قدرت جدید به دنیا عرضه می کند.

۲-۳) مرزبندی با دشمن

مرزبندی با دشمن از دیگر آقار قاعده نفی سبیل در فقه در سیاست خارجی است. امام خمینی در این خصوص می فرماید: «باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی شمارا به سوی این چپاولگران بین المللی نکشند؛ و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی ها قیام کنید. و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشم داشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد. و آنچه انسان های شبیه به اینان به آن رسیده اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکاب به نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب (موسوی خمینی، ۱۳۳۸: ۴۱۷).

ایشان در این گفته عوامل موفقیت و پیشرفت ایران را ذکر می نماید که اولین آن ها اتکاء به خداوند منان است دومی آن ها هوشیاری و بصیرت است و سومی آن ها دوری از یاس و ناامیدی و تقویت اعتماد به نفس است چهارمی آن ها خارج شدن از سیطره اجانب است. مقام معظم رهبری به پیروی از قرآن و به تاسی از رهبر کبیر انقلاب مکرراً و مؤکداً عدم اعتماد به دشمن و غرب را بر مبنای قاعده نفی سبیل، هم به ملت ایران و هم به دولت مردان گوش زد کرده اند:

خب این روزها در کشور صحبت، صحبت اروپایی ها و پیشنهاد های اروپایی است. من توصیه ام این است که به اروپایی ها هم اعتماد نکنید. در مورد آمریکا هم من از دو، سه سال پیش که این بحث های مذاکرات مربوط به هسته ای برقرار بود دائماً، هم خصوصی به مسئولین می گفتم، هم در

جلسات عمومی در سخنرانی‌ها مکرر گفتم که من اعتمادی به این‌ها ندارم. به این‌ها اعتماد نکنید؛ به این‌ها اطمینان نکنید؛ به حرفشان، به قولشان، به امضایشان، به لبخندشان اعتماد نکنید، این‌ها مورد اعتماد نیستند. ... امروز هم دارم راجع به اروپا می‌گویم «غیرقابل اعتمادند»؛ ... بحث سر این است که به این‌ها با چشم بدبینی نگاه کنید؛ این‌ها به هیچ‌چیز پایبند نیستند.

در بیانیه گام دوم انقلاب درباره مرزبندی با دشمن، خطاب به ملت عزیز ایران این‌گونه توصیه می‌کنند: «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، این هر سه شاخصه‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌های جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق‌یافته در آستانه ظهورند، تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی براساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم، شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه، این‌ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آمد».

«از نظر امام‌خمينی (ره) شرط رابطه و دوستی با بیگانه تا زمانی است که در امور داخلی مسلمانان دخالت نکنند و باید دوستی بر پایه احترام متقابل باشد: «تبلیغات روزنامه‌های شوروی مداخله در امور داخلی محسوب نمی‌شود. و در واقع تمام روزنامه‌های جهان باید از ما علیه رژیم شاه حمایت کنند. اتحاد شوروی در ردیف کشورهایی است که وضع ملت ایران را درک کرده و رفتار خود را بر همین اساس بنا نهاده است. ما با شوروی مانند همه کشورهای دیگر، مادام که نخواهند در امور داخلی ما مداخله کنند، روابط دوستی خواهیم داشت. باید به روابط حسن تفاهم و دوستی بر پایه احترام متقابل استوار بود» (موسوی خمینی، ۱۳۳۸: ۳۴۱).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب قاتل به حل مشکلات با اروپاییان هستند اما مذاکره و رابطه با آمریکا را صریحاً منع کرده و حتی قائل به زبان معنوی هم هستند: «دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها تعدادی از دولت‌های اروپایی با دقت حفظ کند، از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند، از تهدیدهای پوچ آن‌ها نهراسد، و در همه حال عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مسلحت جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت».

۳-۳) دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش و محور مقاومت

یکی دیگر از اصول قابل بررسی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران اصل دفاع از حقوق مستضعفین است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۵۴ جهت‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها را در چگونگی برخورد با مستضعفین و ستم دیدگان به‌وضوح مشخص و تبیین کرده است. مطابق اصل مورداشاره: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». رهبرکبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) در نخستین سال پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در پیام خود به‌طور صریح اعلام فرمودند: «ملت آزاده ایران هم‌اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنانی که منطبقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند پشتیبانی می‌کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۵۹).

اصولاً نهضت‌های آزادی‌بخش در مقابل یک سلطه‌طلبی علیه مستکبرین شکل می‌گیرد و بستر تشکیل این نهضت‌ها در میان مستضعفینی هستند که بر آن‌ها ظلم شده است و برای دفاع از خود ایجاد هویتی استکبارستیزی پیدا می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران طبق نص صریح قانون اساسی وظیفه دارد از این حرکت‌ها حمایت کند.

«کمک‌های جمهوری اسلامی ایران از نهضت‌های آزادی‌بخش به شرح ذیل هست: الف) کوشش در جهت ارشاد و راهنمایی آنان با استفاده از تجربیات موجود به‌منظور جلوگیری از انحراف فکری تشمت و تفرقه آنان و نیز برای جلوگیری از نفوذ عوامل بیگانه و فرصت‌طلب در صفوف آنان؛ ب) تأمین امکانات لازم در داخل کشور و فراهم آوردن موقعیت مناسب برای فعالیت آنان؛ از قبیل تهیه دفتر و امکانات تعلیم و تربیت مجاهدین و جمع‌آوری کمک‌های لازم؛ ج) دفاع از حقوق آن‌ها در مجامع بین‌المللی. با توجه به اینکه در این نوع مجامع تنها دولت و واحدهای سیاسی عضو جامعه بین‌المللی قادر به بیان و مطرح کردن نظرات خود می‌باشد و ملت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش حضور رسمی ندارند که صدای خود را به گوش جهانیان برسانند دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بیانگر افکار و خواسته‌های برحق آنان در این مجامع باشد» (محمدی، ۱۳۸۶: ۶۶).

«البته باید توجه داشت که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی اقتصادی از

روابط سیاسی تفکیک شده است. شاید این فکر در میان رجال سیاسی حاکم بوده که خرید و انتقال فناوری ضرورتاً وابستگی سیاسی نمی‌آورد در حالی که گسترش مناسبات سیاسی ممکن است شرایطی را به وجود آورد که باعث وابستگی و یا مشروط شدن گسترش آن به قبول مواردی باشد که به نوعی مشارکت سیاسی برای کشور به ارمغان آورد. جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌المللی خود غالباً اصل تفکیک‌پذیری ارتباطات را اعمال کرده و روابط سیاسی، فرهنگی، تجاری و اقتصادی را از یکدیگر جدا کرده است. در مجموع اصل ۱۵۴ قانون اساسی برای یک کشور انقلابی طبیعی و مرتبط است. باگذشت زمان، تنها مورد قابل اطلاق به این اصل در عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نهضت آزادی‌بخش فلسطین است که نقش فوق‌العاده تعیین‌کننده‌ای در روابط بین‌المللی ایران داشته است» (شجاعی، ۱۳۹۹: ۲۳).

۳-۴) صدور انقلاب اسلامی و حمایت از بیداری اسلامی

یکی از پیامدهای رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در راستای موازنه‌سازی هویت خود در عرصه بین‌الملل سیاست صدور انقلاب اسلامی به سایر جوامعی که از لحاظ فرهنگی همسو یا غیرهمسو هستند بوده است. «صدور انقلاب به معنای تبیین و ترویج انقلاب اسلامی و معرفی آن به ملل دیگر یکی از اهداف و اصول سیاست خارجی می‌باشد. صدور انقلاب سازوکاری برای اشاعه و گسترش ارزش‌ها، هنجارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و رساندن پیام رهایی‌بخش و آزادی‌بخش آن به ملت‌ها و مردمان دیگر است. فرایندی که الهام‌بخش ملت‌های مسلمان و مستضعف است تا به همان غایتی رهنمون شوند که به ملت ایران آن را تجربه کرده است. یعنی رهایی از قیدوبندهای استبداد و استکبار و برقراری عدالت و قسط در قالب یک نظام عادل اسلامی باشد. تأمل و تفکر در گفتمان انقلاب اسلامی و رهبران آن، آشکار می‌سازد که منظور از صدور انقلاب اسلامی ایجاد تحول خوشونت‌آمیز انقلابی در کشورهای دیگر نیست بلکه مقصود از صدور انقلاب تبیین و ترویج ارزش‌ها و آرمان‌های آن به صورت مسالمت‌آمیز می‌باشد» (اسداللهی، ۱۳۹۷: ۱۵).

«از نکات مهم دیگری که رهبر انقلاب در این بیانیه به آن اشاره کردند، مفهوم نهضت بیداری اسلامی است. از اواخر سال ۱۳۸۹ تحولات جدیدی در جهان عرب اتفاق افتاد و چندین نظام در تونس، مصر و یمن سرنگون شدند و این بحث از طرف جمهوری اسلامی مطرح شد که از این تحولات به‌عنوان بیداری اسلامی یاد کردند. بسیاری از افراد بیداری اسلامی را به معنای تلاش ملت‌های مسلمان برای اقامه‌ی حکومت اسلامی می‌دانستند» (لک زایی، ۱۳۹۹: ۱۳۵). اما انتقاد داشتند که در تونس، مصر،

یمن و لیبی ندیدیم که نظام‌های جدید ادعای برپایی حکومت اسلامی داشته باشند و به همین خاطر مطرح کردند که بیداری اسلامی با واقعیت‌های صحنه منطبق نیست. رهبری کاملاً شفاف به این نکته اشاره می‌کند که این تحرک جدید تحت عنوان نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم به وجود آمده است. یعنی معنای بیداری اسلامی از منظر ایشان بیداری ملت‌های مسلمان برای مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم است و این تعریفی واضح و منطبق با تحولات منطقه‌ای است.

۳-۵) طرفداری از صلح بین‌المللی

شرایط کنونی جهان فرصتی شاید تکرار نشدنی برای جنبش عدم تعهد است. سخن ما آن است که اتاق فرمان جهان نباید با دیکتاتوری چندکشور غربی اداره شود. باید بتوان یک مشارکت دموکراتیک جهانی را در عرصه‌ی مدیریت بین‌المللی شکل داد و تضمین کرد. این است نیاز همه‌ی کشورهای که مستقیم یا غیرمستقیم از دست‌اندازی چندکشور زورگو و سلطه‌طلب زیان‌دیده‌اند و می‌بینند. این سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران در تجویزی سیاست‌گذارانه، خطاب به همه‌ی ملت‌های جهان است که منشأ آن از فقه سیاسی سرچشمه می‌گیرد.

« بر اساس فقه سیاسی، نظام بین‌الملل مرکب از واحدهای ملی نیست، بلکه متشکل از دو قلمرو دارالاسلام (به مثابه هسته‌ی اولیه امت واحده اسلامی) و دارالکفر است که بر اساس آن در آینده می‌بایست امت واحد اسلامی تشکیل شود و با گسترش اسلام، یک‌کلیت هماهنگ، جایگزین وضعیت فعلی خواهد شد» (رسول‌ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۹۰). اساساً در راستای تحقق زمینه این کلیت هماهنگ، رویکردی صلح‌طلبانه وجود خواهد داشت که در اندیشه‌های امام خمینی نیز مشاهده می‌شود به‌گونه‌ای که استراتژی همزیستی مسالمت‌آمیز و حسن هم‌جواری با کشورها، همیشه مدنظر امام راحل بوده است. ایشان در پیامی به گورباچف (در سال ۶۷) چنین می‌نویسند: «در هر صورت، کشور ما همچون گذشته به حسن هم‌جواری و روابط متقابل معتقد است. و آن را محترم می‌شمارد» (علمی‌دانشور، ۱۳۹۰: ۶). «درجایی دیگر قرآن کریم نیز: وصول به اهداف خود را از طریق صلح نزدیک‌تر آسان‌تر و معقول‌تر می‌داند از این رو تأکید می‌کند ای مؤمنان همگی به صلح فرود آید» (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۱۴۰).

اولین نکته‌ی مهمی که ایشان در زمینه‌ی سیاست خارجی مطرح کرده‌اند این است که «ایران هیچ‌گاه آغازگر هیچ نوع جنگ، درگیری و تنش با دولت و کشور دیگری نبوده است. این دیگران بودند که مثل صدام یا آمریکا یا عربستان آغازگر تنش، درگیری و توطئه علیه ایران بودند. این مسئله بسیار مهم است.

چراکه نشان‌دهنده‌ی سیاست مسالمت‌آمیز و در حقیقت مثبت ایران است که به‌خصوص با کشورهای همسایه همکاری می‌کند و به دنبال ایجاد آشوب و بی‌ثباتی در منطقه نیست» (مانیفست سیاست خارجی در چهل سال دوم). این اتهامی است که غربی‌ها و اکنون نیز عربستان به ایران می‌چسبانند. رهبر انقلاب نیز با صراحت عنوان کرده‌اند که ما آغازگر نبوده‌ایم اما هرگاه تنش به ما تحمیل شود پاسخ محکمی خواهیم داد. بنابراین عدم شروع تنش از سمت ایران به معنای ضعف ما نیست. ایران در عین قدرت، اقدامی به ایجاد بی‌ثباتی نمی‌کند و به همین خاطر هنگامی که دیگران چنین اموری را به ایران تحمیل کنند ما با قدرت پاسخ داده و خواهیم داد که نشان قدرت ماست. اما هیچ‌گاه از این قدرت سوءاستفاده نکرده‌ایم.

دو نکته‌ی دیگر که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به آن اشاره داشته‌اند این است که انقلاب اسلامی ایران هیچ‌گاه از ابتدا تا کنون بی‌رحم و خونریز نبوده است. این پاسخی است که به عملکرد گروه‌های افراطی چون داعش و تکفیری‌های وهابی که اسلام‌خشن، وحشی و منجرکننده را به دنیا ارائه داده‌اند تا مردم دنیا و حتی مسلمانان را از اسلام اصیل بترسانند و منجرکنند و مانع رسیدن پیام اسلام به گوش مردم دنیا شده‌اند. این نکته بسیار مهم است و ما بایستی در تبلیغاتمان و در دفاع از اسلام این مورد را در نظر داشته باشیم که وحشی‌گری این گروه‌ها را از ساحت اسلام مبرا کرده و به دنیا اعلام کنیم چنین حرکاتی هیچ ارتباطی با اسلام ندارد.

۳-۶) ضدیت با استکبار و حفظ استقلال

نوعاً این امر را در روابط بین‌المللی و عرصه‌ی سیاست بین‌الملل نیز مشاهده می‌کنیم که قدرت مبتنی بر زور چه آشکار و چه پنهان، با زیرپا گذاشتن ارزش‌های مشترک بشری برای برپایی منافع عده‌ای خاص، رواج پیدا کرده است. در دوران پس از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با توجه به آرمان‌های خود مبتنی بر حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، راهبرد عدم تعهد را به کار گرفت (اشرف نظری و سازمند، ۱۳۸۷: ۲۱۸). بنابراین مشاهده می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حکومتی پیرو اسلام، نفی‌کننده استکبار می‌شود که در زمانی این تفکر را گسترش می‌دهد که دو بلوک شرق و غرب تحت فرمان‌های نفسانی خویش دست به چپاول و زور برای پیشبرد سیاست‌های خویش می‌زنند. بنابراین همواره در سیاست خارجی ایران این نکته و بحث غلبه‌ی استکبار بنا بر تاریخچه استکبار و عملکرد آن و حرکت به سمت استقلال‌طلبی به‌خوبی مدنظر قرار داده شده است. مقام رهبری در بیانیه گام دوم چنین مرقوم می‌فرماید: «نماد پر ابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در

برابر قلدردان و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت‌کار روزبه‌روز برجسته‌تر شد در تمام این چهل سال تسلیم‌ناپذیری و صیانت پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت ایران را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره قلدردان جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند. ایشان در این گفته به دنبال این است که بیان کند پیروی از خدا و رسول و انقلاب سبب رشد اسلام در جهان شود و این رشد و شکوفایی نیز با پیروزی انقلاب اسلامی روزبه‌روز بارزتر و استمرار دارد. این فرآیند و رویه مسلمانان سبب شد که کشورهای جهان‌خوار و استعمارگر دیگر چشم طمع بر ایران نداشته باشند و از جوانان این مرز و بوم بترسند.

۷-۳) عدم هراس از تهدیدات دشمنان: آمریکا و اروپا

نکته‌ی پایانی این‌که در بیانیه گام دوم مسئله مهمی را مطرح کردند «در این مورد که نایستی از تهدیدات آمریکایی‌ها و حتی برخی کشورهای اروپایی ترسید. این‌ها در حقیقت به دنبال عملیات روانی هستند تا بر روند تصمیم‌سازی میان مسئولین جمهوری اسلامی تأثیر بگذارند» (مانیفست سیاست خارجی در چهل سال دوم). آمریکا در وضعیتی نیست تا بخواهد جنگی را علیه ایران شروع کند. اکنون آمریکا بر اثر جنگ‌هایی که در منطقه به راه انداخته است بنا بر اعتراف رسمی ترامپ حدود هفت تریلیون دلار هزینه کرده‌اند بدون اینکه دستاوردی آن‌چنانی داشته باشند. بنابراین تهدیدات آمریکایی‌ها توخالی است اما این مورد را به وسیله‌ی یک عملیات روانی انجام می‌دهند. مسئولین جمهوری اسلامی بایستی از پوچی این تهدیدات آگاه باشند. آمریکا در وضعیتی نیست تا این تهدیدات را عملی کند و از طرفی نایستی تحت تأثیر این عملیات عقب‌نشینی کنیم. آمریکا نشان داده است که اگر در مقابلش یک‌قدم عقب‌نشینی کنیم در حقیقت راضی به یک‌قدم نمی‌شوند. در حقیقت آمریکا حسن نیت را با حسن نیت پاسخ نمی‌دهد بلکه این مورد را دلیل بر ضعف می‌گیرند. رهبری بر این نکته اصرار دارند که نظام جمهوری اسلامی ایران نایستی از موضع انقلابی خود کوتاه بیاید و در پایان نیز اشاره می‌کنند مخالف مذاکره با اروپائیان نیستند اما در خصوص آمریکا به‌طورکامل با

هرگونه مذاکره‌ای مخالف هستند. در حقیقت اصل مذاکره با آمریکا بدون در نظر گرفتن نتیجه‌ی آن، پیامدهای خطرناکی خواهد داشت.

۳-۸) مصلحت به‌عنوان استراتژی سیاست خارجی

در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت، در مصاحبه‌ای در ۱۶ فروردین ۱۳۶۱ در این باره اعلام کرد: «ما مصلحتمان این است با همسایگان به‌خصوص همسایگان نزدیک مثل ترکیه، پاکستان و کشورهای خلیج‌فارس ارتباط اقتصادی و بازرگانی روزافزونی داشته باشیم. ما معتقدیم شعار نه شرقی و نه غربی معنایش این نیست که نه با شرق معامله کنیم و نه با غرب. ما هم با شرق رابطه برقرار می‌کنیم و هم با غرب، هر جا منافعمان اقتضاء بکند، رابطه برقرار می‌کنیم، در این میان یک‌جا استثناست و آن آمریکا است» (اشرف نظری و سازمند، ۱۳۸۷: ۲۲۰). بنابراین مشاهده می‌کنیم مصلحت یک اصل مهم و تعیین‌کننده در بحث سیاست خارجی و تصمیم‌گیری بین‌المللی برای نظام جمهوری اسلامی ایران است.

«حفظ مصلحت دولت اسلامی، هنجار هویتی است که در عرصه روابط خارجی هر دولت اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل و دیگر دولت‌ها، می‌تواند دو نوع جهت‌گیری متفاوت را ایجاد کند، یکی اینکه در زمانی ممکن است که مصلحت دولت اسلامی ایجاب کند که بر اساس ضرورت بقای دولت اسلامی، به تطابق و پذیرش هنجارهای بین‌المللی، هرچند به‌صورت موقت می‌پردازد، و یا اینکه گاهی این مصلحت ایجاب می‌کند که به حفظ ارزش‌های اسلامی و قواعد اسلامی و سیاست عدم نفوذ بیگانگان تلقی گردد که در این صورت برای حفظ این ارزش‌ها می‌توان هنجارهای بین‌المللی را نیز نادیده گرفت» (رسولی‌ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۹۰). همان‌طور که مشاهده می‌شود اصل مصلحت مکانیزمی است برای دولت اسلامی که سیاست خارجی خویش را جهت ببخشد در واقع برای دولت اسلامی دنبال کردن این ایده، نفی سلطه‌طلبی، تحقق عدالت و برابری، اتحاد و صلح بین‌المللی و استقلال ملی را به دنبال خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

روابط بین‌المللی ما باید متخذ از احکام فقه و شریعت باشد؛ بر همین اساس، باهدف بررسی علمی بیانیه گام دوم به‌ویژه در حوزه روابط خارجی، این نشست یکی از نشست‌های مربوط به همایش «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» است که در اسفندماه سال جاری برگزار می‌شود.

قاعده نفی سبیل، اصل حمایت از ملت‌های تحت ستم و اصل حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، اصولی هستند که بر اساس آموزه‌های اسلامی در روابط بین‌المللی باید مدنظر قرار بگیرد. مقام رهبری در بیانیه گام دوم اصل استقلال و تمامیت ارضی اشاره کردند و به‌طورخاص، در بند ششم این بیانیه از توصیه‌ها، موضوع عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن را برجسته کرده‌اند و تصریح کرده‌اند که این سه موضوع شاخصه‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی هستند.

در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمانی شکل گرفت که ریشه در سنت اسلام داشت این گفتمان انقلابی به بازتعریف بنیادی در حوزه سیاست داخلی و خارجی پرداخت و معیارهای متفاوتی را برای تعریف و تعیین «خود» و «دگری» در عرصه داخلی و بین‌المللی ارائه داد. قاعده‌ی نفی سبیل با توجه نصوص معتبر یعنی کتاب و سنت، از مسلمات و ضروریات دین مبین اسلام است. براساس این قاعده هرگونه سلطه، تسلط، استیلاء، سبیل و ولایت کفار بر مسلمانان نفی شده است و هرعمل، قرارداد و اقدامی که منجر به سیطره و تسلط کفار بر مسلمانان و جامعه اسلامی در هر شکلی از اشکال نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... گردد، فاقد اعتبار است. بنابراین طبق بیانیه گام دوم انقلاب جامعه اسلامی ایران باید نسبت به استقلال، عزت، عدم اعتماد به دشمن و ... باید در قراردادها، مقاله‌نامه‌ها، مذاکرات، رفتارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... قاعده فوق را موردنظر داشته باشد.

از سوی دیگرگفتمان مسلط جهانی را به چالش کشید، نظم حاکم بر مناسبات بین‌المللی را مورد تهدید و تردید قرار داد، کانون‌های متعدد را در برابر قدرت جهانی بسیج کرد و متغیرهای تازه‌ای را وارد صحنه سیاست بین‌الملل نمود در نتیجه در بطن انقلاب اسلامی گفتمان‌های متمایز سیاست خارجی متولد شد که در چارچوب آن رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت.

بر اساس آنچه آمد، شاخص‌های مهم دولت انقلابی در سیاست خارجی از منظر رهبر انقلاب را می‌توان پافشاری بر اصول سیاست خارجی، افزایش توان داخلی، حمایت از جبهه مقاومت و تمرکز بر روابط اقتصادی با همسایگان نام برد. نکته پایانی اینکه بیانیه گام دوم باید مورد توجه سیاست‌گذاران در عرصه‌ی سیاست خارجی و امنیت ملی قرار گیرد. بر این اساس، باید طراحی برای گام دوم انقلاب مبتنی بر بازیگری در سطح بین‌المللی و حفظ و پیشبرد هویت و آرمان‌های انقلاب اسلامی در دستور کار قرار گیرد.

منابع

قرآن کریم.

ارجینی، حسین (۱۳۸۶). نفی سلطه‌پذیری در سیاست خارجی دولت اسلامی، فقه و اصول، (۳): ۱۴۹-۱۶۸.

اسداللهی، مسعود (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب را از منظر راهبردهای سیاست خارجی، نامه شورا، (۱)۱۲۶: ۳۶-۱۵.

اسماعیلی، محسن؛ غمامی، سید محمدمهدی (۱۳۸۹). مطالعه فقهی حقوقی اصول سیاست خارجی دولت اسلامی بررسی تطبیقی در جمهوری اسلامی ایران، حکومت اسلامی، (۴)۱۵: ۲۶-۵.

اشرف نظری، علی و سازمند، بهاره (۱۳۸۷). گفت‌مان هویت و انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ایزدی، بیژن (۱۳۷۷). درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

حسینی، ابوالحسن (۱۳۸۸). تعریف فقه سیاسی و موضوع آن به منزله‌ی نخستین مسئله در فلسفه فقه سیاسی، قیاسات، (۵۱)۱۴: ۱۶۹-۱۹۰.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۳). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالعلم.

رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰). مبانی بینا ذهنی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، (۱)۱۴: ۹۰-۱۰۱.

رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر، جلد چهارم و نوزدهم، چاپ چهارم، قم: نشریه پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

زحیلی، وهبه (۱۴۱۱). التفسیر المنیر، جلد دوم، سوریه، دمشق: دارالفکر.

شجاعی، هادی (۱۳۹۹). اهداف و راهبردهای سیاست خارجی، معرفت، (۱۹)۱۵۳: ۲۳-۴۰.

شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۷). فقه سیاسی اسلام، چاپ اول، قم: نشر بوستان کتاب قم.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، جلد یازدهم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). تفسیر مجمع‌البیان، جلد نهم، تهران: نشر فراهانی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۴). تفسیر مجمع‌البیان، جلد هجدهم و بیست و سوم، تهران: نشر فراهانی.

- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان، جلد چهارم، بیروت: درالمعرفه.
- علمی دانشور، مهدی (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، سایت مرکز تعلیمات اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷). فقه سیاسی (نظام سیاسی و رهبری در اسلام)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۳۸). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، چاپ اول، تهران: نشر کتاب سیاسی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵). امام خمینی (ره) و فقه سیاسی، بازتاب اندیشه، ۱۵(۷۵): ۱۱۶-۱۲۸.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۷). نظام سیاسی و دولت در اسلام، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، جلد نهم، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قره‌گزلی، کامران (۱۳۸۹). جایگاه فقه سیاسی در اندیشه اسلامی، چاپ اول، تهران: نشر در روزنامه همشهری.
- قریب، حسین و ضمیریان، محمدحسین (۱۳۸۹). الزامات دینی و تأملات عقلانی در سیاست‌گذاری خارجی مطالعه موردی اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، ۱(۱): ۱۵۷-۲۰۰.
- لک زایی، رضا (۱۳۹۹). گفتمان مقاومت در عرصه بین‌الملل در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر بیانیه گام دوم، پژوهش‌نامه علوم انسانی اسلامی، ۷(۱۳): ۱۲۷-۱۵۰.
- لک زایی، نجف (۱۳۸۹). مسائل فقه سیاسی، دانش سیاسی، ۶(۱): ۱۲۷-۱۴۹.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۶). آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- مصطفوی، حسن (۱۳۷۴). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). فقه و حقوق، جلد بیست و یکم، چاپ نهم، قم: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، جلد نهم و بیست و دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.

- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد نوزدهم و بیست و یکم، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، جلد یازدهم و بیستم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۸). چالش‌های نظری و عملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی، (۲)۱: ۳۳-۵۵.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶). فرهنگ قرآن، جلد هفدهم، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.